

عنوان مقاله:

تحلیل رویکردهای انتقادی روشنگران ایرانی به شعر کلاسیک

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره 9، شماره 20 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

رضا چراغی - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

احمد رضی - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

علیرضا نیکویی - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

خلاصه مقاله:

در نود سال اخیر، تکرار انتقاد از شعر کهن فارسی در حوزه های مختلف فکری، فرهنگی، ادبی و... به این انتقادات وجهی گفتمانی داده است؛ به گونه ای که به عنوان مثال در بررسی آرای شاعران نوگرایی چون نیما یوشیج و احمد شاملو، با «گفتمان انتقاد از شعر کهن» مواجهیم. گفتمان، مجموعه های از گزاره هاست که در یک بازه زمانی، به طور منسجم درباره موضوعی خاص بیان می شوند و زبان را در آن زمینه تجهیز می کنند. در تبارشناسی که مهمترین رویکرد روششناختی میشل فوکو در تحلیل گفتمان است، با بازگشت به سرچشمه های شکل گیری و طبیعی سازی گفتمان، بسیاری از رویکردها و گزاره ها، ساخت شکنی، تحلیل و آسیب شناسی می شوند. مقاله حاضر نیز بر آن است که با بررسی، طبقه بندی، تحلیل انتقادی و آسیب شناسی رویکردهای انتقادی پنج تن از معروفترین روشنگران ایرانی در قرن سیزدهم هجری (نوزدهم میلادی)، زمینه های شکل گیری و طبیعی سازی بسیاری از انتقادات به شعر کهن فارسی را نشان دهد. در این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد انتقادی استفاده شده است. براساس یافته های این پژوهش، روشنگران ایرانی با معیار اثبات گرایی علمی، تقلیل ادبیات به کارکرد سیاسی اجتماعی، علمی و مادی، نگاه اثباتی به زبان و توجه به رسانگی زبان ادبی برای اطلاع رسانی، آموزش و تبلیغ، تعمیم معیارهای علوم تجربی و زیست شناختی به عناصر ادبی و ... به نقد شعر کهن فارسی پرداختند و انتقادهای خود را در چهارچوب مفاهیمی چون برجسته نمایی، حاشیه رانی، تقابل، کلشیه سازی، سوء تشخیص و... طبیعی سازی کردند.

کلمات کلیدی:

روشنگران ایرانی، گفتمان، آسیب شناسی، نقد ادبی، تحلیل رویکرد

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/315723>

